

امتحانات نیمسال دوم - گروه الف

اردیبهشت ۱۳۹۷

شهرستان:

مدرس:

محل آزمون:

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

کد ملی:

پرونده:		درس: اصول ۳ - اصول الفقه - ن ۲	
تاریخ: ۹۷/۰۲/۱۸	ساعت: ۸	پایه: ۶	
کد مصمم	به مروف	به عدد	نتیجه
			بازبینی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۷ سؤال تشریحی پاسخ دهید. در صورت پاسخ به همه، به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود. (تستی ۰/۵ و تشریحی ۲/۵ نمره) (محدوده: اصول الفقه، از اول «الشهرة» تا پایان کتاب)

تستی

۱. إن صدر مقبولة عمر بن حنظلة، التعارض بين / ۲۰۰

أ. الحاكمين ب. الراويين ج. الراويين و الحاكمين د. الراويين من الراويين

۲. إن القاعدة الأولى في المتعارضين هو مزية في أحدهما تقتضي الترجيح. / ج ۱۸۲

أ. التساقط و لو حصلت ب. التخيير مع عدم حصول ج. التساقط مع عدم حصول د. التخيير و لو حصلت

۳. إذا لم يعلم جنس التكليف فيجری فيه / ب ۲۱۶

أ. استصحاب عدم التكليف ب. أصالة البراءة ج. أصالة التخيير د. أصالة الاحتياط

۴. شك در «حدوث بول همراه با علم به طهارت» در حقیقت، شك در چیست؟ / د ۲۵۱

أ. رافعية موجود ب. بقای رافع ج. مقتضى د. رافع

۵. إن قياس الأولوية / ج ۱۶۴

أ. حجة مطلقاً ب. باطل مطلقاً ج. باطل إذا كان الأخذ به لمجرد الأولوية د. باطل إذا كان مفهوماً من التخاطب بالفحوى

تشریحی

* إن المنسوب إلى الأخباريين اعتبار الاستصحاب في خصوص الشبهة الموضوعية. و أما الشبهات الحكمية فعلى القاعدة عندهم من وجوب الرجوع إلى قاعدة الاحتياط. و علل ذلك بعضهم بأن أخبار الاستصحاب لا عموم لها و لا إطلاق يشمل الشبهة الحكمية؛ لأن القدر المتيقن منها خصوص الشبهة الموضوعية فلا تعارض أدلة الاحتياط. و فيه: أن لأخبار الاستصحاب من قوة الإطلاق و الشمول ما يجعلها ظاهرة في شمولها للشبهة الحكمية، و لا سيما أن أكثرها وارد مورد التعليل، و ظاهرها تعليق الحكم على اليقين من جهة ما هو يقين.

۱. تفصیل اخباری‌ها و دلیل آن و ایرادش را بنویسید.

۱. در شبهات حکمیة استصحاب جاری نمی‌شود و باید به احتیاط رجوع شود.

۲. اخبار استصحاب، عموم و اطلاقی ندارد که شامل شبهات حکمیة شود و قدر متیقن از آن، شبهات موضوعیة است. و با عدم شمول دلیل استصحاب، موارد شبهات حکمیة، مشمول ادلة احتیاط می‌شوند.

۳. اخبار استصحاب اجمال ندارد، بلکه اطلاقی و عمومشان شامل شبهات حکمیة نیز می‌شود؛ مخصوصاً که در این روایات، حکم به بقاء، به امر ارتكازی عقلایی تعلیل شده که شبهات حکمیة را نیز دربر می‌گیرد. / ۲۴۹_۵۰

* ما المراد من قولهم: «إن الشارع يحكم برجحان البقاء على طبق حكم العقلاء»؟ فإنه على إطلاقه موجب للإيهام و المغالطة؛ فإنه إن كان المراد أنه يظن بالبقاء كما يظن سائر الناس فلا معنى له. و إن كان المراد أنه يحكم بحجبة هذا الرجحان فهذا لا تقتضيه الملازمة بل يحتاج إثبات ذلك إلى دليل آخر.

۲. با توجه به عبارت، وجه «فلا معنى له» و نیز مراد از ملازمه و مشارألیه «ذلك» را بنویسید.

- ظن و رجحان نفسانی در شارع معنا ندارد.

- ملازمه بین علم به ثبوت سابق و بین رجحان بقا در لاحق است.

- حجیت هذا الرجحان. / ۲۳۵

۳. به نظر مصنف، آیا سیره متشرعه حجت است؟ توضیح دهید.

هرگاه ثابت شود سیره عملی متشرعین در زمان معصومین علیهم‌السلام بوده به نحوی که معصوم خود به آن عمل می‌کرده یا تقریر فرموده، حجت است؛ ولی اگر این معاصرت ثابت نمی‌شود یا خلافش ثابت شود، حجت نیست. / ۱۴۱_۲

* استشكل على تعريف الاستصحاب بأنه «إبقاء ما كان» بأنه لا جامع للاستصحاب بحسب المشارب فيه من جهة المباني الثلاثة في حجّيته - وهي الأخبار و بناء العقلاء و حكم العقل - فلا يصحّ أن يعرّب عنه «بالإبقاء» على جميع هذه المباني؛ و ذلك لأنّ المراد منه إن كان الإبقاء العمليّ من المكلف فليس بهذا المعنى مورداً لحكم العقل؛ لأنّ المراد من حكم العقل هنا إذعانه، و إذعانه إنّما هو ببقاء الحكم لا بإبقائه العمليّ من المكلف. و إن كان المراد منه الإبقاء غير المنسوب إلى المكلف فمن الواضح أنّه لا جهة جامعة بين الإلزام الشرعيّ الذي هو متعلّق بالإبقاء و بين البناء العقلائيّ و الإدراك العقليّ.

۴. اشكال تعريف را توضیح دهید.

تعريف استصحاب باید به گونه‌ای باشد که جامع بین همه مبانی در حجیت استصحاب باشد و تعريف به «إبقاء ما كان» این گونه نیست؛ چون اگر مراد از آن «ابقای عملی مکلف» باشد، شامل استصحابی که به حکم عقل معتبر شده نخواهد بود؛ چون مراد از حکم عقل اذعان عقل به بقای حکم است.

و اگر مراد از آن «ابقای غیر منسوب به مکلف» باشد باز جامعی بین حکم شرعی و اذعان و ادراک عقلی و بنای عقلا وجود ندارد. ۲۲۱

* إذا تصوّرنا هناك خبرين متعارضين مشهوراً موافقاً للعامّة و شاذّاً مخالفاً لهم فإنّ الترجيح للشاذّ بالمخالفة إنّما يتوقّف على حجّيته الاقتضائية الثابتة له في نفسه، لا على فعليّة حجّيته، و لا على عدم فعليّة حجّية المشهور في قبالة بل فعليّة حجّية الشاذّ تنشأ من الترجيح له بالمخالفة و يترتّب عليها حينئذٍ عدم فعليّة حجّية المشهور.

۵. محل نزاع و مراد از «حجیت اقتضایی» و «حجیت فعلی» را بنویسید.

محل نزاع: تعارض خبر مشهور موافق با عامه و خبر شاذ مخالف با عامه است.

حجیت فعلی حجیتی که بعد از تعارض برای یکی از دو دلیل ثابت می‌شود.

حجیت اقتضاییه: حجیت فی نفسه لو خلی و طبعه با قطع نظر از تعارض. ۲۰۷

* إن معنى التخيير بين المتعارضين بمقتضى قيام الدليل الخاصّ عليه، أنّ كلّ واحد من المتعارضين منجزّ للواقع على تقدير إصابته للواقع و معذّر للمكلف على تقدير الخطأ. و هذا هو معنى الجعل الجديد.

۶. أ. مراد از منجزیت و معذرت چیست؟ ب. منظور از تخيير در اینجا تخيير شرعی است یا عقلی؟ چرا؟

أ. منجزیت یعنی مطابقت روایت با واقع، آن واقع را بر مکلف منجز می‌کند و در صورت مخالفت، استحقاق عقاب دارد معذرت یعنی اگر مطابق واقع نبود معذور است.

ب. تخيير شرعی؛ چون مقتضای اخبار و دلیل خاص است. ۱۹۰

* أمّا ثبوت إجماع الأمّة و الصحابة على الآخذ بالقياس ممنوع؛ لأنّه لم يثبت أنّ اجتهاداتهم كانت من نوع القياس بل في بعضها ثبت عكس ذلك كاجتهادات عمر بن الخطاب، و مثلها اجتهاد عثمان في حرق المصاحف؛ و لأنّ استعمال بعضهم للرأى - سواء كان مبنياً على القياس أو على غيره - لا يكشف عن موافقة الجميع.

۷. مدعا و دو دلیل آن را بنویسید.

مدعا: اجماعی از جانب امت اسلامی و صحابه پیامبر ﷺ بر عمل به قیاس وجود ندارد.

دلیل اول: اجتهاداتی که از صحابه نقل شده معلوم نیست از قبیل قیاس بوده باشد، بلکه در بعضی از آنها دلیل بر خلاف وجود دارد.

دلیل دوم: بر فرض اینکه اجتهاداتشان مبتنی بر قیاس بوده باشد این عمل به بعض صحابه نسبت داده شده و عمل بعض، کاشف از موافقت همه نیست یعنی از عمل بعض، اجماع استکشاف نمی‌شود. ۱۵۷

* من المرجّحات في باب التزام: أن يكون أحد الواجبين وجوبه مشروطاً بالقدرة الشرعية دون الآخر. و المراد من القدرة الشرعية هي القدرة المأخوذة في لسان الدليل شرطاً للوجوب، و مع فرض التزامه بينه و بين واجب آخر وجوبه غير مشروط بالقدرة لا يحصل العلم بتحقق ما هو شرط في الوجوب؛ لاحتمال أنّ مزاحمته للواجب الآخر تكون سالبة للقدرة المعترية في الوجوب، و مع عدم اليقين بحصول شروط الوجوب لا يحصل اليقين بأصل التكليف فلا يزاحم ما كان وجوبه منجزاً معلوماً.

۸. أ. فرق «تزامم» و «تعارض» را بنویسید. ب. مرجح مذکور برای تقدیم أحد المتزاممين و دلیل آن را توضیح دهید.

أ. التزامم تمنع دو دلیل در مقام عمل است؛ ولی تعارض، تمنع دو دلیل در مقام جعل است.

ب. اگر وجوب یکی از دو واجب متزامم، مشروط به قدرت شرعی در لسان دلیل باشد و واجب دیگر، مشروط نباشد دلیلی که مشروط به قدرت شرعی نیست مقدم می‌شود؛ زیرا بعد از تعارض واجب مشروط با واجب منجز، شرط تکلیف در واجب مشروط (قدرت) احراز نمی‌شود. در نتیجه وجود تکلیف احراز نمی‌شود و با وجود فقد تکلیف، دیگر التزامی با تکلیف موجود در واجب منجز

ندارد. ۱۷۴